



نقاط قوت و ضعف لیست تیم ملی

امیر صادقی پناه

لیست جدید بازیکنان تیم ملی اعلام شد و طبق معمول صحبت‌های زیادی در این مورد بر سر زبان‌ها افتاد. منتقدان پروپا قرص تیم ملی کار خود را آغاز کردند و دوستانداران فوتبال ایران حرف‌های دلسوزانه خود را بیان نمودند.

علی دایی مایه افتخار فوتبال ماست و در این موضوع هیچ شک‌ی نیست. او به عنوان سرمربی تیم ملی در انتخاب بازیکنان مورد نظر خود مختار است و هیچ کس نمی‌تواند در این مورد اعتراضی به وی بکند. در توانایی دایی نیز تردیدی نداریم. می‌دانیم او نقاط ضعف و قوت تیش را می‌فهمد و به خوبی بازیکنانش را در زمین هدایت می‌کند اما دایی نیز انسان و جایز‌الخطاست. در لیست بازیکنان تیم ملی چند ابهام کلی وجود دارد که می‌خواهیم به بررسی آنها پردازیم:

۱- حسین کاظمی نقش مؤثری در استقلال دارد و خط هافبک این تیم بدون کاظمی کارایی لازم را ندارد. هنگامی‌که استقلال مقابل پگاه گیلان نیاز مبرمی به حسین کاظمی داشت، دایی او را به تیم ملی دعوت کرد و به هیچ‌وجه راضی به جدایی وی نشد. کاظمی در مسابقات غرب آسیا نیز عملکرد قابل قبولی از خود برجای گذاشت. با این توصیف آذهان عمومی انتظار داشتند کاظمی برای دیدار با آذربایجان و عربستان نیز در لیست تیم ملی حضور داشته باشد و یکی از سربازان دایی لقب بگیرد اما سرمربی تیم ملی در عین ناباوری او را دعوت نکرد.

۲- علاقه سرمربی تیم ملی به رحمان احمدی بر کسی پوشیده نیست اما نکته جالب توجه اینجاست که خوددایی در سایپا نیز در اکثر بازی‌ها با احمدی را روی نیمکت می‌نشاند و به معمار زاده میدان می‌داد. حال چطور شده که او را به تیم ملی دعوت کرده‌است؟ رحمان دروازه‌بان خوبی است اما هیچ وقت گلری مطمئن و شش‌دانگ نبوده و نیست.

۳- از کنار تجربه ابراهیم میرزاپور به سادگی نمی‌شود عبور کرد اما آیا میرزاپور کنونی آماده‌ی یک سال قبل را داراست؟

دروازه‌بان سایپا مقابل پرسپولیس اشتباهاتی داشت که به هیچ‌وجه در شأن وی نبود. میرزاپور که در جام جهانی مقابل مکزیک و پرتغال بازی کرد کجاست؟

باید قبول کنیم میرزاپور افت داشته‌است و دعوت از او در این برهه زمانی کار مناسبی نیست. دایی می‌توانست ابراهیم را در اوج آمادگی و برای

مدیران مملکت ما شایستگی مدیریت ندارند

چندانی ندارد. قبلاًدر لیگ خرابکاری می‌کردند، حالا لیگ یک را مورد لطف قرار می‌دهند. من صددرصد با گلر خارجی مخالفم چرا که دروازه‌بانان درجه سوم و ج هارم کشورهای دیگر برای گرفتن پول کلان راهی ایران می‌شوند. هیچ کدام از این دروازه‌بانان عملکرد قابل قبولی نداشته‌اند. به عنوان مثال تولیبا ۳ سال برای صیاباثری چه کار کرده؟ چه گلی بر سر این تیم زده؟ و یا کاسپاروف کار مثبتی برای فوتبال ما انجام نداده‌است. مدیران ما به جای نوشتن این مطلب اندکی در زمینه مدیریت فوتبال و در آن سوی آب‌ها ترمعمق کردیم که به شوح ورود خارجی‌ها بازگذاشته‌اند!

۴- با دروازه‌بان خارجی و مریبی خارجی به هیچ‌وجه موافق نیستم. مریی دروازه‌بانان خارجی به درد فوتبال ما نمی‌خورد. ما در کشور تعداد زیادی دروازه‌بان قدیمی داریم که به این حرفه مشغول هستند. چرا باید مریبان ما بیرون گود باشند و مریی خارجی برای دروازه‌بانانمان بیآوریم. مریبی جدید پرسپولیس که در کنار عابدزاده مشغول به کار است را تا به حال اسمش را هم نشنیده بودم. مارکوپولو را به عنوان یک جهانگرد می‌شناسم اما او را خبرم؟ مریی به شخصه سالیان سال برای پرسپولیس بازی کردم و به نظر من مدیران مملکت ما شایستگی مدیریتی ندارند. یک ورزش پویا یک مدیریت خوب می‌طلبد. نمونه‌های زیادی برای اثبات این ادعا وجود دارد. این از وضعیت لیگ و بازیکنان و نمونه بزرگتر المپیک پکن که اگر هم شرکت نمی‌کردیم، اتفاق خاصی رخ نمی‌داد. چه زمانی مدیریت آقایان تغییر خواهد کرد، خدا عالم است!

مفحه لیگ را اختتام دادیم به چند مورد خاص. ۲. مطلب بلند و جالب از سیدحمید صادق زاده نویسنده قدیمی ابرارورزشی و یک یادداشت از وحید قلیچ. یک مطلب هم در مورد لیست جدید تیم ملی داریم از امیر صادقی پناه نویسنده جوان ابرارورزشی. او و حمید صادق زاده از منظر کسوت و تجربه ۱۸۰ درجه با هم تفاوت دارند! به هر حال این صفحه را مثل یک مربی پر کردیم. هم از باتجربه‌ها استفاده کردیم و هم از بنزین سبز!

پنجشنبه ۷ شهریور ۱۳۸۷
۲۶ شعبان ۱۴۲۹- ۲۸ آگوست ۲۰۰۸ - شماره ۴۱۸۷

قطبی و قلعه نویی بخوانند؛

تا می‌توانید خوش باشید چون فردا روز بدتری است

سیدحمید صادق زاده



که بیشترین هوادار، بهترین مهره‌ها، عالی‌ترین خطوط دفاع در ایران آرزوی روبرویی با آن را دارند.

مهاجمان استقلال در کل با گلزنی بیگانه هستند. باید هم چنین باشد. آن کادرفنی که در استخدام امثال ابراهیم توره عاجز می‌ماند و به مهاجمان گل نزنسی چون آرش برهسانی، سیاوش اکبرپور و فوروارد ناکارآمدی مثل علی علیرزاه دل خوش می‌کند، باید هم شاهد ثبت آماری فوق‌العاده ضعیف از نظر گل زده برای این تیم باشد. پرسپولیس قطبی با همه ضعف هایش لااقل در امر گلزنی تیم قابل قبولی است اما استقلال قلعه‌نویی در همین یک مورد نیز از ضعف مغرطی رنج می‌برد.

مشت آخر در گوشه رینگ

به نظر باید در بخش آخر با افشین قطبی و امیر قلعه‌نویی اتمام حجت شود. این ۲ مربی



و اما قلعه نویی!

او با چنان عظمت و شکوهی به استقلال بازگشت که یاد بازگشت ژنرال‌های فاتح در فیلم‌های سراسر خالی‌بندی هالیوودی افتادیم. خریدهای طبق معمول پرسر و صدای علی فتح‌الله زاده هم مزید بر علت شد تا هواداران استقلال خیالاتی شوند اما اگر شما غیر از برد افشین قطبی می‌توانست‌تا به امروز به صدای پرسپولیس ۱۲ امتیاز کسب کند، امری کاملاً طبیعی رخ داده بود چون گرفتن ۹ امتیاز از تیم‌های سایپا، پاس همدان و ملوان که لیگ را با باخت یا مساوی آغاز کرده‌اند، موردی سهل‌الوصول بود. ذوب‌آهن هم چون در تهران بازی می‌کرد، نیابست گریبان پرسپولیس را می‌گرفت اما با یک نگاه به جدول زده‌بندی متوجه عقب افتادن ۴ امتیازی پرسپولیس از ۱۲ امتیاز ممکن می‌شویم. پس این تیم از نظر فنی که حاصل آن در نتیجه جلوه می‌کند، از شرایط معمولی هم پایین‌تر ظاهر شده و باید به مربیانش نمره منفی داد.

راز از دست داده و نه به مهره‌های قابل توجه بازار رحم کرده و از هواداران پرشمار و همیشگی خود سود می‌برد، تیمی نیست که بتواند در ایران حکمرانی کند تا چه رسد به اینکه بتواند آرزوهای علاقه‌مندان را در آورده‌گاه آسیایی برآورده نماید. اگر افشین قطبی می‌توانست تا به امروز به صدای پرسپولیس ۱۲ امتیاز کسب کند، امری کاملاً طبیعی رخ داده بود چون گرفتن ۹ امتیاز از تیم‌های سایپا، پاس همدان و ملوان که لیگ را با باخت یا مساوی آغاز کرده‌اند، موردی سهل‌الوصول بود. ذوب‌آهن هم چون در تهران بازی می‌کرد، نیابست گریبان پرسپولیس را می‌گرفت اما با یک نگاه به جدول زده‌بندی متوجه عقب افتادن ۴ امتیازی پرسپولیس از ۱۲ امتیاز ممکن می‌شویم. پس این تیم از نظر فنی که حاصل آن در نتیجه جلوه می‌کند، از شرایط معمولی هم پایین‌تر ظاهر شده و باید به مربیانش نمره منفی داد.



رقیب، با سرمربی خود، با بازیکن و به زبانی ساده تا با زیرمجموعه خود وارد دیالوگ مستقیم نمی‌شود. حال می‌خواهد در راستای انتقاد مثبت و منفی باشد یا در راستای تشویق و تنبیه. حضور مدیر در یک باشگاه باید با حداقل سخنرانی و حداکثر نظارت توأم باشد. مدیری که هر روز به دنبال مصاحبه باشد و برای ایجاد حاشیه و جنجال بسترسازی کند، نتیجه به ریشه تیم می‌زند. البته هستند مدیرانی که حاشیه و جنجال را در راستای رسیدن به اهداف باشگاه ایجاد می‌کنند اما نمونه وطنی چنین مدیرانی را سراغ نذاریم. مدیرعاملی در امور باشگاه‌های موفق است که اگر نمی‌تواند در راستای اهداف خاص باشگاه جنگ‌های روانی هدفنداری به راه بیندازد، حداقل باید بتواند از ایجاد حاشیه جلوگیری کند و آرایش را به جو مجموعه خود تزیین نماید.

مدیر باید آشنا به امور اما خارج از گود باشد

یک مدیر باشگاه، مدیری است که آشنا به امور باشد اما خود را درگیر امور اجرایی نکند. او باید همچون مغزی متفکر که توسط مشاوران امور کارکشته تغذیه فکری می‌شود، از بالا بر کلیه امور نظارت کند. به این ترتیب نخستین یک مدیر پای میز مذاکره آن هم با بازیکن غلط است، چانه‌زدن برای تعیین نرخ بازیکن اشتباه است و . . . ظاهر شدن در نقش مدیر خرید، مدیریت کمیته انضباطی، سخنگویی باشگاه و . . . غلط است. اما در عمل در لیگ برتر شاهد حضور مدیرانی هستیم که برخی از آنان در نقش همه ظاهر می‌شوند! لا نقش خود.

مدیرعامل یعنی یک تاجر موفق

ظرفی می‌گفت برخی مدیران به جای اینکه به وظیفه خود یعنی تزیین پول به باشگاه بپردازند، خود به کسب درآمد از طریق واسطه‌گری در امر

سید حمید

بیزنس؟ بدون رودریاستی باید گفت فقط چاره کار در استخدام مدیران خارجی آن هم با مطالعات ویژه است چون هر کس دیگری هم جای این ۲ نفر بیاید یا توجه به شرایط خاصی که پرسپولیس و استقلال دارند، نمی‌توانند در عمل کارایی چندانی بهتری داشته باشند اما وقتی یک مدیر قوی خارجی را با مطالعه کافی استخدام کنید، او با شناختی که از بازار تبلیغات و در کل جنبه سرمایه‌داری می‌تواند در گام اول یک اسپانسر بین‌المللی جذب کند. چنین اقدامی ۲ ویژگی دارد: ۱- پرسپولیس یا استقلال صاحب یک منبع درآمد خوبی می‌شوند ۲- دلارهای خارجی از بیرون مرزهای اقتصادی ایران به داخل تزریق می‌شوند. این در حالی است که جذب اسپانسر داخلی در چرخه اقتصاد ایران به معنی در آوردن پول از این جیب و گذاشتن آن در جیب دیگر است. البته برای جلوگیری از اطناب کلام به همین یک مثال لازم اکتفا می‌شود و مثال‌های کافی در این زمینه را به فرصتی دیگر موکول می‌کنیم.

حرکت به سوی فنا با رابطه

بایستی تعارف نذاریم. بست‌ها در فوتبال ایران اغلب اوقات با رابطه‌های موجود دست به دست می‌شوند. وقتی انتخابات رئیس فدراسیون با حضور یک کاندیدا آن هم با حفظ پست در کمیته ملی المپیک اتمام می‌شود، دیگر چه انتظاری از کیفیت مدیریت‌ها در باشگاه‌ها می‌توان داشت؟ حال که اینگونه است پس این رابطه‌ها را باید به سمتی سوق دهیم که فایده‌مند باشد.

فوتبال را از نظر مالی در پی نداشته باشد. باید از رابطه‌ها در راستای منافع مالی باشگاه‌ها و حتی منافع افراد ذی نفع سود برد. این امر هم مسیلاً باشگاه‌های فوتبال قطع کنند، مطمئن باشید در لیگ برتر ایران پرنده هم پر نمی‌زند.

مدیر خارجی نیاز داریم

وقتی مدیریت فعلی ۲ باشگاه استقلال و پرسپولیس با وجود چند ماه زمان قبل از شروع لیگ برتر فصل جاری نتوانستند برای تیم خود اسپانسر بگیرند. وقتی آقایان نتوانستند بعد از سیری شدن ۴ هفته از رقابت‌ها نیز کاری از پیش ببرند، دیگر چه مجالی باید به آنان داد تا باز هم طبق تفکرات خود کارها را کج داد و مریز پیش